

چنین گفت بودا

ابوالقاسم جعفری

نیست. معلوم نیست که این قسمت‌ها در متن سنسکریت مورد استفاده سیوان زانگ نبوده یا عمر او به ترجمه آن‌ها وفا نکرده است؛ زیرا بنا بر سنت چینی، این برگردان در ماه‌های آخر عمر او صورت گرفته است.

هینه‌یانه و مهاییانه

برای ادراک جایگاه ایتی ووتکه که بخشی از سه سید است، اشاره‌ای به تفاوت دو مجموعه مکتب بزرگ آیین بودا خالی از لطف نیست. اگرچه همه بودایی‌ها به کانون پالی احترام می‌گذارند ولی این سه سید، کتاب معتبر و اصل مکتب تیره واده یا هینه‌یانه است. آیین بودا را که در ۲۵۰۰ سال پیش با تعالیم شاکیه مونی در هند به وجود آمد، می‌توان به چهار بخش تقسیم کرد:

نخست، آیین بودای آغازین، یعنی از آغاز

اول میلادی تشکیل شد و در این شورا بود که میان راه بزرگ مهاییانه و راه کوچک هینه‌یانه فرق گذاشته شد. در این شورا «سه سید» را معتبر شناختند و به فرمان کشکه پانصد رهرو دانا بر آن تفسیر نوشتند.

«تی پیتکه» یا «سه سید» کانون پالی سه بخش دارد که یکی از آن‌ها «کودکه نیکایه» یا «مجموعه گفتارهای کوتاه» است که مرکب از پانزده کتاب است که «ایتی ووتکه» چهارمین کتاب آن است. «دمه پده»، کتاب معروف بودایی که به معنای راه آیین است نیز از همین مجموعه است. در کانون چینی، ترجمه‌ای از «ایتی ووتکه» منسوب به سیوان زانگ موجود است که همانندی بسیاری با «ایتی ووتکه» پالی دارد و فرق اصلی این دو در این است که در برگردان چینی بخش‌هایی از «گروه سه‌ها» و تمام «گروه چهارها» موجود

کهن‌ترین مجموعه کتاب‌های بودایی، «سه سید» یا «تی پیتکه» خوانده می‌شود که در زبان‌های اروپایی به کانون پالی معروف است. «پیتکه» نام سیدی از خیزران بود که کتاب‌ها را هنگام جابه‌جایی در آن می‌نهادند. برای گردآوری و ساختن «سه سید»، چهار شورا برپا شد.

نخستین شورا اندکی پس از مرگ بودا احتمالاً در ۴۸۳ پیش از میلاد در اجه گهه تشکیل شد. دومین شورا را یک قرن پس از درگذشت بودا در ویسالی برپا کردند و سومین شورا ۲۳۶ سال پس از مرگ بودا در پاتلی پوته به تشویق اشوکه، شاه نام‌دار بودایی که با پذیرفتن این آیین به آن رونق ویژه‌ای بخشید، برپا شد که در آن کانونی از متن‌هایی را که پیران معتبر می‌دانستند، گرد آوردند. چهارمین شورا به فرمان پادشاهی به نام کشکه در قرن



تعلیم بودا تا صد سال پس از پری نیروانه او، یعنی از ۵۳۰ تا ۳۸۰ پیش از میلاد.

دوم، آیین بودای هیینه یانه، یعنی ظهور و تحول مکاتب گوناگون از صد سال پس از مرگ بودا تا سال ۱۰۰ میلادی.

سوم، توسعه توآمان آیین بودای هیینه یانه و مهاییانه که ناگارجونه آیین بودا را در یک دوره جدید این آیین، یعنی از ۱۰۶ تا ۳۰۰ میلادی یگانه کرد.

چهارم، برتری مهاییانه از ۳۰۰ تا ۵۰۰ میلادی.

مهاییانی‌ها معتقدند که در هنگام مرگ بودا مهاییانی‌هایی، یعنی نیوشندگانی بودند، که گرایش به آن راه داشتند و آیین بودا را بنا بر آن روشنی می‌فهمیدند.

آن‌گاه که بودا زیر درخت بدهی به روشنی رسید، دو راه پیش رو داشت. یا فراشناختش را نزد خود نگاه دارد و وارد خوش‌دلی نیروانه شود یا به خاطر مهر به موجودات دیگر و هم‌دردی با آنان در جهان بماند تا ثمرات خوب کشف خود را به همه برساند. این دو راه تفاوت میان هیینه‌یانه و مهاییانه را نشان می‌دهد. با آن‌که هیینه‌یانه به هیچ وجه هم‌دردی و هم‌دلی با دیگران را ندیده نمی‌گیرد، تأکیدش بر روشن‌شدگی و بیداری فردی است، در حالی که مهاییانه با آن‌که از فرزاندگی و فراشناخت غافل نیست، اما تأکیدش بر هم‌دلی و شفقت تا آن حد آشکار است که در این مورد از آیین بودا بر هیینه‌یانه سیطره دارد.

عنوان و محتوای کتاب

نام «ایتی ووتکه» از جمله آغازین هر سوره یعنی «چنین گفته بود آن سرور، چنین گفته بود آن ارهت، من چنین شنیده‌ام.» گرفته شده است؛ زیرا «ایتی» یعنی «این‌چنین» و «ووتکه» از «ووتتم» یعنی «گفته شد» و روی هم: «چنین گفته شد» یا به تعبیر رایج: «چنین گوید او.» از همین جاست که سنت کهن بودایی این متن را «سخنان بودا» می‌داند.

با نگاهی به فهرست مطالب در می‌یابیم که «ایتی ووتکه» مجموعه‌ای از آموزه‌های اخلاقی بوداست بر گستره پهناوری از مسائل اخلاقی که شالوده همه آن‌ها تفکر و فلسفه بودایی در مکتب تیره واده است. یعنی آموزه‌هایی چون «سه آموزش» که چهار حقیقت جلیل، راه هشت‌گانه جلیل، روشن‌شدگی کامل بی‌برتر و مانند این‌ها را

شامل می‌شود و همچنین دربردارنده مقصد و مقصود سیر و سلوک بودایی است که آزادی و رستگاری و نیروانه است.

روی سخن همه جا با رهروان مرد (بیکشو/ بیکوه) هاست و تنها یک بار به رهرو زن (بیکشونی/ بیکینی) اشاره می‌شود. همه جا کج‌روان و بیراهه‌روها و خطاکاران و به تعبیری گناه‌کاران را به «راه بدفرجام» هشدار می‌دهد و نکوکاران و راست‌روان و اندوزندگان نکوکرد را به «راه خوش‌فرجام» مژده می‌دهد.

گرچه «ایتی ووتکه» مجموعه‌ای از آموزه‌ها و موضوع‌های اخلاقی گوناگون است اما میان ۱۱۲ سوره آن کمابیش نوعی بند و پیوند آشکار است. رایج‌ترین شکل این رابطه، رابطه تقابلی میان خوب و بد، خویشتن‌داری و ناخویشتن‌داری و میان نکوکار و بدکار است. زبان کتاب همان زبان حکایت و تمثیل است که زبان بیشتر کتاب‌های بودایی است.

راوی کتاب ایتی ووتکه

هر ۱۱۲ سوره کوتاه «ایتی ووتکه» را بنا بر شرح سنتی، زن «پیش‌نشین»ی به نام کوجوترا، از بودا که در آن زمان در کوسمبی آیین را فرامی‌آموخت شنیده و آن‌ها را برای بانویس ساماوتی، همسر اودینه شاه و زنان دیگر کاخ نقل کرده است. شیوه کار او گویا چنین بوده که منظمًا به شنیدن آیین آموزی بودا می‌رفته و سپس آن‌ها را برای ساماوتی و دیگران نقل می‌کرده است.

خواه این داستان درست باشد، خواه نباشد، این تنها کتابی است که در کانون پالی به این سبک و سیاق نوشته شده است. یادآوری این نکته ضروری است که اکنون دست‌یابی به زمان و نام گردآورنده واقعی این کتاب ناممکن است.

ترجمه‌های ایتی ووتکه

از متن اصلی «ایتی ووتکه»، ترجمه‌های مختلفی شده است. استادانی مانند جاستین هارتلی مور^۱، تیسارو بیکو^۲، جان دی. آیرلند^۳ و اف. ال. وودوارد^۴ این کتاب را ترجمه کرده‌اند. ترجمه دکتر هارتلی مور از دانشگاه کلمبیای نیویورک در ۱۹۰۸ بنا بر آن‌چه در مقدمه کتاب آورده است، نخستین ترجمه و ویرایش آن به زبان انگلیسی بوده است. این کتاب در سال ۱۳۸۳ شمسی به همت مترجم توانای متون دینی ادیان شرق،

ع. پاشایی به فارسی برگردانده شد و مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب آن را در ۳۳۶ صفحه چاپ کرده است.

ویژگی‌های ایتی ووتکه

کل «ایتی ووتکه» به ۱۱۲ سوره یا سوره کوتاه تقسیم می‌شود که در چهار نیپاته، و چندین وگه (گروه‌های کمابیش ده سوره‌ای) آراسته شده‌اند. هر سوره‌ای دو بخش دارد. بخش اول آن به نثر است و بخش دوم به نظم. برخی صاحب‌نظران بر آن‌اند که بخش منثور در واقع شرحی است بر بخش منظوم. درباره متن بسیار مشهور مهاییانه، یعنی «سوره نیلوفر» نیز که کمابیش به همین سبک و سیاق نوشته شده است، همین نظر را داده‌اند.

مثلاً در بخش شعر ۴۷ (سوره ۴۷) می‌خوانیم:

«ای بیداران گوش فرا دهید؛

هر کسی از شما خفته باشد بیدارش کنید.

بیداری به از خواب است؛

بیدار را بیمی از چیزی نیست.

و آن که بیدار، هشیار، آگاه،

مجموع، شادمان و آرام است،

به‌درستی آیین را در زمان درست می‌پژوهد؛

چون یک‌دل باشد بر تاریکی غلبه می‌کند.»

و در بخش نثر آن می‌خوانیم: «ای رهروان! رهرو باید بیدار، هشیار، آگاه، مجموع، شادمان، هم آن‌جا روشن باشد و هم‌زمان آیین‌های درست را ببیند. ای رهروان! رهروی که بیدار، آگاه، مجموع، شادمان است، هم آن‌جا روشن زندگی می‌کند و هم‌زمان آیین‌های درست را می‌بیند، دو ثمره در انتظار اوست؛ یا دانش در این جهان دیدنی، یا اگر چیزی از بنیادها مانده، مقام بی‌بازگشت.»

برخی از دیگر ویژگی‌های «ایتی ووتکه» چنین است:

الف. شکل گفت‌وگو: بخش نثر کتاب غالباً حالت گفت‌وگو دارد و همیشه با تکرار خطاب «ای رهروان» همراه است.

ب. تکرار بندها: بندهایی که در سراسر کتاب تکرار می‌شوند فراوان‌اند. این‌گونه نقل‌ها غالباً در کنار هم نیستند و حتی نزدیک به هم نیز نیستند. برخی از همین نقل‌ها نتیجه گرفته‌اند که «ایتی ووتکه» گردآوری است نه یک کار پیوسته و آرایش مواد و مصالحی است که از پیش موجود یا فراهم بوده است.



ج. نام‌ها و لقب‌ها. صفت بودا که در این متن صفت «شاکیه مونی از دودمان گوتمه است» همراه است با صفات و لقب‌های دیگر او، مثل «آن سرور»، «ارहत»، «ارجمند»، «چنین رفته»، «آن والا»، «فرزانه بزرگ»، «استاد»، «آموزگار»، و مانند این‌ها. تنها یک نام خاص دیگر یعنی «دیودته» در این کتاب آمده است که از خویشان گوتمه بودا و رهروی بداندیش بوده است. در این متن بیش از پنج بار واژه «ماره» آمده است که اهریمن و سوسه‌گر و مادر تباهی است. یک بار هم یک نام جغرافیایی در آن آمده است که «کرکس کوه» یا «شاهین کوه»، نام قله‌ای در مگده، است.

د. صنایع بدیعی: در «ایتی ووتکه» صنایع بدیعی کم نیست. به طور کلی می‌توان این صنایع را به سه دسته تقسیم کرد:

۱. آن‌هایی که از طبیعت گرفته شده‌اند؛
۲. آن‌هایی که از جانوران و کارهای آنان گرفته شده؛
۳. آن‌هایی که از انسان و رابطه‌های او در زندگی روزمره گرفته شده‌اند.

در میان این صنایع، تشبیه مبتنی بر چند نمود طبیعی، بیش از همه رواج دارد و از این میان عنصر آب بیش از همه نقش دارد. مثلاً مرد درست‌کار کسی است که از رود می‌گذرد و به آن سو، یا به ورای سیل یا سیلاب رنگ و آرزو و آرزو می‌رود. واژه رایج دیگر سمودا یا اقیانوس است. در جمله «او از اقیانوس ... سخت گذر می‌کرد»، نیروی آرزو یا کام، به رودی تنداب تشبیه شده است که گرداب‌های حایل دارد که غریق یا تقلاکننده در مانده را به کام خود می‌کشد. تشبیه «رود غذا»، قطره آب، قطره باران و آبدان، شکل‌هایی از «استعاره‌های آبی»‌اند.

تشبیهات و استعارات نور نیز به همان اندازه تشبیهات آب‌اند. طبعاً خورشید و ماه هم نقش خاص خود را دارند و هر کدام دوبار در «ایتی ووتکه» ذکر شده است و یک بار هم نام ستاره سحری آمده است. در قسمتی گفته می‌شود رهروان باید مشعل‌دار «پیش‌نشینان» یعنی بوداییان غیررهرو باشند؛ زیرا اینان در تاریکی‌اند.

در تشبیهات جانوران، خیالینه‌های حیوانی کم است و حیواناتی چون شیر، ماهی و کوسه و سوسمار تنها در مقام مقایسه آمده‌اند. از تصویر

حیوانی اهریمنان نیز که در اقیانوس زندگی می‌کنند و حیوان شاخ‌داری که صفت رهرو خطاکار قلم‌داد می‌شود باید نام برد. سومین گونه از تشبیهات و استعارات از انسان و زندگی او گرفته شده است. در یک بند جالب، از سه جور فرزند و رابطه آنان با والدینشان سخن می‌رود.

مفهوم «در» در «درهای حواس» آمده است که رهرو باید از آن‌ها مراقبت کند و نیز در بند دیگری آمده که مریدان با ایمان بایستی «در آن بی‌مرگ» را باز کنند. از صور خیال دیگر که در شناسایی زندگی روزمره زمان بودا حکایت دارد، مفاهیمی مانند تیر و ترکش و زهر است که به طور نمادین درباره درد یا رنج به کار برده شده است. هم‌چنین دو لقب برای استاد، یعنی بودا به کار برده‌اند که دو پیشه‌اند؛ یکی «گردونه ران» و دیگری عبارت جالبی است که به وسیله آن، او را درمان‌گر و طبیبی دانسته‌اند که «موجب درد» می‌شود یعنی جراحی می‌کند.

نمونه‌هایی از نظم و نثر ایتی ووتکه

شعر شماره ۲۳:

در ابتدا توضیح داده می‌شود که با پرورش «دمه» دو بهره حاصل آید؛ یکی بهره کنونی و دیگری بهره آینده. این «دمه» کدام است؟ «هشیاری در کارهای نیک» و چنین ادامه می‌دهد:

«فرزانگان، هشیاری را در نکوکاری می‌ستایند.
فرزانه هشیار هر دو بهره را می‌یابد،
بهره‌ای که در این جهان دیده هست،
و بهره‌ای که در آینده.
مردی ثابت‌قدم است
در چسبیدن به آن‌ها،
او را فرزانه خوانند.»

شعر شماره ۳۳:

«ای رهروان، کسی که این دو صفت را دارد،
گویی او را به بهشت برده آن‌جا می‌نهند. آن دو
کدام‌اند؟ سلوک درست و نظر درست. شخصی
را که این دو صفت دارد به بهشت برده آن‌جا
نهند.»

این است معنای آن‌چه آن سرور گفت. سپس او در این باره چنین گفت:
«شخصی که این دو صفت درست را دارد:

سلوک درست و نظر درست،
نیک‌اندیش است.
او پس از زوال تن به بهشت خواهد رفت.»

شعر شماره ۴۸:

«به دوزخ می‌رود آن که دروغ می‌گوید
مانند کسی که دروغ می‌گوید و انکار می‌کند
که من نگفته‌ام.
این دو بدکنش برابر می‌شوند
پس از مرگ در جهان دیگر.
خیلی‌ها که شانه‌هایشان را
با خرقة‌ی زرد پوشانده‌اند، بدکنش‌اند و
ناخویشان‌دار،
این بدکنشان با کردارهای بدشان
به دوزخ می‌روند.»

آن به که او گوی آهن تفته،

به کردار زیانه آتش را فرو برد
تا بدکنش و ناخویشان‌دار باشد
و از داد و دهش آن سرزمین زندگی می‌کند.

شعر شماره ۹۰:

گرچه درست پشت سر من می‌آید،
اما پر از آرزو و نگرانی است،
نگاه کن که چه قدر دور است:
آشفته از نیاشفته،
در بند از بی‌بند،
آزمنده از بی‌آز.

اما فرزانه‌ای که از راه دانش

بی‌واسطه دمه،
شناخت دمه،
آرام و نیاشفته است
مانند دریاچه‌ای نیاشفته از باد...

منابع:

در معرفی این کتاب از این منابع استفاده شده است:

۱. مقدمه کتاب چنین گوید او به قلم ع. پاشایی؛
۲. راه بودا (این بودای مه‌ایانه نوشته: ب. ل. سوزوکی. ترجمه ع. پاشایی.
۳. بودا نوشته ع. پاشایی؛
۴. مقدمه دکتر هارتلی مور بر ترجمه انگلیسی کتاب «ایتی ووتکه».

پی‌نوشت:

1. Justin Hartly Moore
2. Thanissaro Bhikkhu
3. John D. Ireland
4. F. L. Woodward